

مریم سعادت^۱

مسعود جهانگیری^۲

چکیده:

دولت اسلامی عراق و شام موسوم به داعش، نام گروهی نوسلفی- تکفیری است که همزمان با سرنگونی حکومت صدام و حمله آمریکا به خاک عراق با عناوین مختلف اظهار وجود نمود و در نهایت در آوریل ۲۰۱۳، نام دولت اسلامی عراق و شام را انتخاب نموده و سپس با گسترش اراضی اشغالی در کشورهای عراق و سوریه در ژوئن ۲۰۱۴ میلادی به دولت اسلامی که داعیه خلافت بر جهان را داشت، تغییر نام داد. داعش همواره بنا داشته بنیان‌های هویتی خود را تحت لوای اسلام و با نام دولت اسلامی بنا نهد. آنچه سبب نگارش این مقاله شده است، وجود تعارض در بنیان‌های هویتی و ایدئولوژیکی داعش نسبت به عملکرد آن در عراق و سوریه است. بنابراین در این مقاله درصددیم ارزیابی کنیم که آیا داعش با داعیه دولت اسلامی از لحاظ ماهوی، سنخیتی با اسلام و دولت دارد و یا تنها، گروهی تروریستی است. یافته‌های مقاله حاکی از آن است که با توجه به عناصر متشکله دولت و بر طبق آموزه‌های اسلام و نص صریح قرآن، داعش هیچ سنخیتی با دولت و اسلام ندارد و بر اساس عملکرد آن در عراق و سوریه و طبق حقوق و قوانین بین‌المللی تنها گروهی تروریستی است. روش تحقیق این مقاله، تحلیلی-توصیفی و شیوه گردآوری مطالب آن، کتابخانه‌ای-اسنادی می‌باشد.

واژگان کلیدی: داعش، دولت، اسلام، خلافت، تکفیر، جهاد، تروریسم

۱. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل.

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی و مدرس دانشگاه.

دولت اسلامی عراق و شام با نام اختصاری داعش، از جدیدترین نمونه‌های گروه‌های تروریستی-تکفیری است که در سال‌های اخیر و به ویژه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر در منطقه خاورمیانه، به عنوان گروه اسلام‌گرای تندرو با ایدئولوژی سلفیه ظهور نموده است.

ریشه‌ها و روند قدرت گرفتن داعش به دوره پس از حکومت صدام در عراق، یعنی از سال ۲۰۰۳ به بعد مربوط می‌شود. حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، فرصت و فضای مناسبی را برای حضور و نقش‌آفرینی گروه‌های مسلح و تروریستی مختلف از جمله گروه‌های مرتبط با القاعده در این کشور به وجود آورد (مینی کشه و آجیلی، ۱۳۹۳: ۱۲۲). سابقه تشکیل این گروه تکفیری-وهابی به سال ۲۰۰۴ میلادی با نام جماعه التوحید و الجهاد برمی‌گردد که رهبر این گروه، ابومصعب الزرقاوی، رهبر سازمان القاعده عراق بود. در ژانویه سال ۲۰۰۶، القاعده عراق گروه‌های تروریستی کوچک را تحت حمایت خود درآورد و شورای مجاهدین را به وجود آورد. بعد از کشته شدن الزرقاوی در ژوئن ۲۰۰۶، شورا ضمن جذب چهار گروه دیگر از گروه‌های جهادی سنی مذهب، هم‌صدا با قبایل عرب عراق اعلام کرد که هدف آن، آزاد کردن عراق از دست شیعیان و اشغال‌گران خارجی و بازگرداندن اسلام به دوران طلایی خود می‌باشد. در سال ۲۰۰۶، رهبری گروه به دست ابوعمر البغدادی افتاد و وی دولت اسلامی عراق را تأسیس کرد. با وجود تأکیدات ایمن الظواهری، رهبر القاعده بعد از مرگ بن لادن، بر اتحاد گروه‌های مختلف عراق زیر نظر القاعده، گروه دولت اسلامی عراق به سمت استقلال پیش رفت. در سال ۲۰۱۳، دولت اسلامی عراق و شام به رهبری ابوبکر البغدادی که در سال ۲۰۱۰ بعد از مرگ ابوعمر رهبری گروه را بر عهده گرفته بود، به وجود آمد. اقدام ابوبکر البغدادی در تأسیس دولت اسلامی عراق و شام و ادعای مالکیت سوریه در سال ۲۰۱۳، منجر به جدایی و در نهایت دشمنی گروه داعش و سازمان القاعده شد (بخشی شیخ احمد و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۳۴).

هدف داعش، ایجاد دولتی اسلامی با اعتقادات خاص خود در خاک کشورهای سوریه، عراق، اردن و فلسطین است (نساج و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۴). پیکارجویان سلفی-تکفیری دولت اسلامی عراق و شام پس از ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴ میلادی به خلافت اسلامی تغییر نام دادند (اشرف نظری و السمیری، ۱۳۹۳: ۷۵) که این موضوع، بیان‌گر آن است که سودای خلافت جهانی در سر دارند. اما سؤال این‌جاست که آیا گروه تکفیری داعش که ابتدا به ساکن، نام دولت اسلامی عراق و شام را بر خود نهاده و سپس با تغییر نام به دولت اسلامی یا خلافت اسلامی درصدد سلطه بر جهان است، صلاحیت و ویژگی‌های تشکیل دولت را دارد؟ آیا اقدامات، اعمال و ایدئولوژی‌های این گروه با اسلام تطبیق دارد؟ فرضیه این نوشتار آن است که داعش، گروهی تروریستی نوسلفی است و هیچ سنخیتی با دولت ندارد و دارای تعارضات اساسی با

اسلام است؛ در نتیجه نمی‌توان ماهیت دولت اسلامی برای آن قائل شد. اگر چه داعش سعی دارد زیر پوشش اسلام، هویتی دینی و غیرتروریستی برای خود تعریف کند؛ اما در نهایت، بر طبق معیارهای شناخته شده تروریسم و بر اساس قوانین بین‌المللی موجود، محکوم به تروریستی بودن است.

در این مقاله سعی داریم، ابتدا با برشمردن عناصر تشکیل‌دهنده دولت از حیث حقوقی و تطبیق آن با ساختار داعش اثبات نماییم که این گروه، صلاحیت تشکیل دولت را ندارد و سپس با بررسی آیات قرآنی و آموزه‌ها و احکام اسلامی و مقایسه آن با ایدئولوژی و اعمال داعش و برجسته کردن تعارضات آن‌ها اثبات نماییم که این گروه، ماهیت اسلامی نیز ندارد. در گام بعد هم با انطباق اعمال و اقدامات این گروه با معیارهای شناخته شده تروریسم، ماهیت تروریستی این گروه را نمایان تر خواهیم کرد.

۱. رابطه داعش با دولت

در روزگار ما دولت بغرنج‌ترین، مجهزترین و کامل‌ترین نهاد و سازمان سیاسی و اداری و قضایی و نظامی کشور-ملت است (ابوالحمد، ۱۳۸۴: ۱۴۱). می‌توان دولت را به صورت حقوقی این‌گونه تعریف کرد: «مجموعه‌ای از مردم که در قلمرو معینی (محدوده جغرافیایی) و تحت حاکمیت خاصی سکونت داشته باشند.» (شعبانی، ۱۳۸۸: ۴۵) کشور، دولت و ملت امروز سه واقعیت و پدیده جدا نشدنی و پیوسته هستند (ابوالحمد، ۱۳۸۴: ۱۴۳). عناصری وجود دارند که برای موجودیت و حفظ دولت، بنیادی هستند و در صورت وجود نداشتن هر یک از این عناصر، دولت نیز وجود نخواهد داشت. عنصرهای بنیادی دولت عبارت اند از:

۱.۱. مردم یا جمعیت

عنصر اولیه و بنیادی موجودیت دولت، مردم است. دولت را به عنوان نهاد بشری، بدون مردم نمی‌توان تصور کرد (عالم، ۱۳۸۹: ۱۳۹). میزان جمعیت، معیار موجودیت دولت نیست و با هر میزان جمعیت، می‌توان دولت تشکیل داد. از لحاظ حقوق بین‌الملل نیز دولت‌ها با هر میزان جمعیت، موقعیت یکسانی دارند و کاهش یا افزایش جمعیت آن‌ها در این موقعیت تأثیری ندارد. البته جمعیت باید آن اندازه باشد که بتواند سازمان و امنیت دولت را حفظ کند و منابع سرزمینی و اقتصادی دولت نیز توان تأمین زندگی آن‌ها را داشته باشد. در عین حال، فراسوی این عوامل کمی، در ارزش‌یابی جمعیت، عناصر کیفی هم مطرح است. جمعیت را نباید به طور ریاضی سنجید؛ نوع مردم بیشتر از شمار آن‌ها اهمیت دارد. شهروند خوب اجازه نمی‌دهد اختلافات قومی، دینی، زبانی، سیاسی وحدت دولت را از بین ببرد (عالم، ۱۳۸۹: ۱۴۱). از سویی دیگر، تجمعی از انسان‌ها که در یک محدوده جغرافیایی و یا سرزمینی زندگی می‌کنند، جمعیت آن دولت یا کشور شناخته نمی‌شوند؛ زیرا ممکن است افراد زیادی از کشورهای مختلف به دلایل گوناگون در یک قلمرو خاصی

اجتماع کرده باشند، اما از نظر حقوقی و تکالیف و اختیارات تحت حاکمیت دولت‌های متبوع خود باشند (شعبانی، ۱۳۸۸: ۴۵).

بیکارجویان داعش از کشورهای مختلف عربی، آسیایی، اروپایی و آفریقایی گردهم آمده‌اند (اشرف نظری و السمیری، ۱۳۹۳: ۷۵). برآورد شده که حدود پنجاه هزار نفر در سوریه و سی هزار نفر در عراق عضو این گروه هستند (بخشی شیخ احمد و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۳۴). بر اساس برآوردها، حداقل بیست تا سی هزار جنگجوی خارجی از ۸۷ کشور به سوریه و عراق رفته‌اند. در این میان، بیشترین نیرو از تکفیری‌های چین و سپس عربستان است (اشرف نظری و السمیری، ۱۳۹۳: ۷۷). از آن‌جا که کم و کیف جمعیت از لحاظ حقوقی تأثیر چندانی در ایجاد دولت ندارد (قوام، ۱۳۸۸: ۲۰)، بنابراین اگر منظور تنها جمعیت بدون کم و کیف آن باشد، می‌توان با اغماض پذیرفت که داعش این مؤلفه را دارا است.

۲،۱. سرزمین

همه قبول دارند که دولت باید سرزمین معینی داشته باشد. دولت مدرن در اساس و بنا به سرشت خود، وابسته به سرزمین است. اما در مورد اندازه سرزمین دولت، هیچ قاعده استواری وجود ندارد. اندازه دولت‌های نو بسیار گوناگون بوده است. وسیع‌ترین کشورها، اتحاد شوروی بود که سرزمین آن حدود یک ششم خشکی‌های جهان را در بر می‌گرفت؛ یعنی بیش از ۲۲/۴ میلیون کیلومتر مربع. از سوی دیگر، دولت سان مارینو، ۶۱ کیلومتر مربع وسعت دارد (عالم، ۱۳۸۹: ۱۴۱).

گروه داعش که ابتدا در سوریه تشکیل شد و سپس به عراق کشیده شد، خواستار حکومت بر کل منطقه عراق و شام شامل اردن، فلسطین اشغالی، لبنان، قبرس و بخشی از جنوب ترکیه است و در حال حاضر، بخش‌هایی از عراق و سوریه را در کنترل خود دارد (بخشی شیخ احمد و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۳۴). بنابراین اگر تصرف سرزمینی را جدا از مسأله قانونی بودن یا غیرقانونی بودن (مشروع یا نامشروع بودن) و موقت یا دائمی بودن (توانایی یا عدم توانایی در حفظ سرزمین‌های اشغالی) بپذیریم، داعش با تصرف بخش‌هایی از خاک سوریه و عراق توانسته این عنصر را نیز برای تشکیل دولت خود فراهم سازد.

۳،۱. حکومت

مردم نمی‌توانند به هدف‌های مشترک دست یابند، مگر آن‌که به درستی سازمان یابند و قواعد معین طرز عمل را بپذیرند. کارگزاری که در سطح جامعه، مسئول اجرای این قواعد رفتاری است و اطاعت را تأمین می‌کند، حکومت نامیده می‌شود. سازمان‌یافتگی سیاسی یا حکومت برای موجودیت دولت، عنصری اساسی است. در واقع، هیچ دولتی بدون حکومت وجود ندارد، اگر چه حکومت بدون دولت می‌تواند وجود داشته است. حکومت، کارگزاری است که به

وسیله آن، اراده دولت متبلور و بیان می‌گردد و جامه عمل می‌پوشد. ماهیت حکومت، همه‌جا یکسان و مبتنی بر اطاعت است و البته هر گاه در سرزمین معینی، گروه‌های زیادی از مردم به دعوی حکومت در استفاده از زور تردید نشان داده یا منکر آن شوند، در این حالت کشور مزبور در معرض اضمحلال قرار خواهد گرفت. به طور کلی، نمی‌توان از وجود حکومت صرف نظر کرد؛ زیرا هیچ اجتماع متمدنی بدون آن نمی‌تواند وجود داشته باشد (عالم، ۱۳۸۹: ۱۴۴). حکومت بخشی از دولت است و به طور طبیعی سه رکن دارد: قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضائیه (همان، ۱۴۸). حکومت با تشکیل سازمان‌ها و نهادهای سیاسی اعمال قدرت نموده و به حاکمیت خود تجلی می‌بخشد (شعبانی، ۱۳۸۸: ۴۶).

ساختار اداری داعش در شش شورای مختلف با نام‌های شورای نظامی، شورای دفاعی-امنیتی و اطلاعاتی، شورای قضایی، شورای مرکزی، شورای عالی و شورای رسانه‌ای تقسیم شده و تمامی فعالیت‌های اصلی داعش، باید توسط مجلس شورا که مسئول ارزیابی و مطابقت سیاست‌های گروه با قوانین شریعت است، به تصویب برسد (نوربخش و مهدی‌زاده، ۱۳۹۴: ۲۴۲-۲۴۳). بنابراین به این نتیجه می‌رسیم که داعش با تشکیل این نهادها به عنوان ارکان حکومت، اعمال قدرت می‌نماید. از طرف دیگر، قوانین مبتنی بر شریعت مدنظر داعش که مشروعیت آن توسط حامیان این گروه پذیرفته شده است، به عنوان قواعد معین طرز عمل حکومت محسوب می‌گردد. در نتیجه می‌توان گفت داعش حداقل برای عده‌ای که مشروعیتش را پذیرفته‌اند، حکومت تشکیل داده است.

۴.۱. حاکمیت

حاکمیت عبارت از قدرت برتر فرماندهی یا امکان اعمال اراده‌ای فوق اراده‌های دیگر است (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۷: ۷۱). حاکمیت، مهم‌ترین عنصر دولت نو دانسته می‌شود و چیزی است که دولت را از دیگر گروه‌ها و مجتمع‌های انسانی مشخص و متفاوت می‌کند (عالم، ۱۳۸۹: ۱۴۵). حاکمیت شامل دو نوع حاکمیت برونی یا حاکمیت دولت و حاکمیت درونی یا حاکمیت در دولت است. حاکمیت دولت یا حاکمیت برونی، مشخص‌کننده شخصیت متمایز حقوقی و سیاسی دولت-ملت و استقلال و عدم وابستگی آن در ارتباط با سایر دولت-ملت‌ها است. اما حاکمیت برونی به معنای نفی هر گونه وابستگی به دولت‌های خارجی یا تبعیت از آنها است. کشوری دارای حاکمیت برونی است که در روابط متقابل خود در سطح بین‌المللی با دولت-ملت‌های دیگر کاملاً برابر بوده و به عنوان شخصیت حقوقی متقابل و هم‌سطح در برابر دیگر کشورها جلوه کند. ولی حاکمیت درونی، مؤید برتری قدرت یک دولت-ملت نسبت به اعضای جامعه نظیر فرد، گروه، طبقه یا تقسیمات سرزمینی نظیر شهر، شهرستان، استان، ایالت و کانتون یا نهادهایی نظیر حزب و سندیکا است. آخرین کلام متعلق به اوست و اراده او بر کلیه اراده‌های موجود غلبه دارد (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۷: ۷۲)؛ آنچه که در چارچوب نظام بین‌المللی، آن را به مفهوم استقلال و در نظام داخلی به معنای آزادی تعبیر کرده‌اند (قوام، ۱۳۹۰:

۱۵۹). در نتیجه، از آنجا که موضوع حاکمیت به استقلال یک دولت نسبت به سایر دولت‌ها اشاره دارد (قوام، ۱۳۸۸: ۲۳)، بهترین نشانه برای اثبات این عنصر نیز استقلال واقعی و قانونی است. منظور از استقلال واقعی آن است که یک دولت بتواند به صورت قاطع اعمال حاکمیت کند و منظور از استقلال قانونی آن است که سرزمین آن دولت مورد ادعای دولت دیگر نباشد (طباطبایی لطفی و شارق، ۱۳۹۵: ۱۸۷).

همان‌طور که اشاره شد، هنگامی که بحث حاکمیت را به عنوان یکی از عناصر تشکیل دهنده دولت بررسی می‌کنیم، موضوع از دو جهت حائز اهمیت می‌شود: یکی مربوط به مفهوم اقتدار عالی و غایی در درون واحدهای سیاسی و ارضی متمایز است و دیگری به عضویت در جامعه بین‌المللی مرتبط می‌باشد (قوام، ۱۳۹۰: ۱۵۹). یک دولت در وضعیتی می‌تواند وارد صحنه سیاست بین‌المللی شود و با سایر واحدهای سیاسی ارتباط برقرار کند که مورد شناسایی دیگران قرار گیرد. در صورتی دولتی مورد شناسایی قرار می‌گیرد که: ۱. از ثبات سیاسی برخوردار باشد ۲. به عهدنامه‌های بین‌المللی احترام بگذارد ۳. مقررات و حقوق بین‌الملل را محترم شمارد؛ اگر چه در عمل، شرایط اخیر تحت‌الشعاع نظرهای ارزشی و سیاسی قرار می‌گیرد (قوام، ۱۳۸۸: ۲۵).

مبارزه حکومت‌های مرکزی عراق و سوریه با داعش از آغاز فعالیت این گروه، گویای اهمیت سرزمین‌شان و عدم پایداری حضور داعش در مناطق تحت سیطره‌اش، نشان‌دهنده تسلط دولت‌های عراق و سوریه بر آن و عدم ثبات پایه‌های این گروه است (طباطبایی لطفی و شارق، ۱۳۹۵: ۱۸۸). در نتیجه داعش از ثبات سیاسی لازم برخوردار نیست و فاقد استقلال واقعی و قانونی نیز می‌باشد. از طرفی دیگر، اگر چه داعش سودای تشکیل دولت را در سر می‌پروراند و مدعی تشکیل حکومت هم بوده است، تاکنون هیچ کشوری جذب عناوین و القاب نمادین داعش نشده و اقدام به شناسایی آن نکرده است و به عبارتی دیگر، نوعی عدم شناسایی جمعی در این مورد وجود دارد.

نتیجه آن‌که حتی اگر بتوان با مسامحه گفت که گروه داعش، سایر عناصر تشکیل دولت را داراست، این امر دلیلی برای شناسایی نمی‌شود؛ چرا که جامعه جهانی بر تروریستی بودن آن وفاق دارد (همان، ۱۸۹) و این به معنی آن است که داعش بر هیچ یک از قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل پایبند نبوده و نیست. در واقع، در عصری که احترام به حقوق بشر، حاکمیت قانون و حکمرانی مطلوب شالوده و اساس نظم بین‌المللی قلمداد شده‌اند؛ دولت، موجودیتی کمی نیست که با اجتماع عناصر مادی تشکیل گردد. مشروعیت دموکراتیک و اقتدار اخلاقی دولت (دولت حقوق بشری) که داعش کاملاً فاقد آن تلقی می‌شود؛ عناصری بسیار مهم‌تر از کنترل قهرآمیز و جائزانه بر بخشی از سرزمین و افراد و گروه‌های انسانی است (زمانی، ۱۳۹۴: ۱۲۹). بر این اساس باید گفت که شاید داعش در واقعیت، برخوردار از سه عامل (زمین،

جمعیت و حکومت) برای تشکیل حکومت باشد، اما به دلیل فقدان عنصر حاکمیت (بیرونی) و شناسایی نتوانسته است به عنوان دولتی مستقل ظهور کند (اشرف نظری و السمیری، ۱۳۹۴: ۹۶).

۲. رابطه داعش با اسلام

واژه اسلام، در لغت به معنای تسلیم شدن و گردن نهادن است. از این رو، قرآن کریم دینی را که مردم را به آن دعوت می‌کند، اسلام نامیده است که برنامه کلی آن، تسلیم شدن انسان در برابر احکام الهی است (سبحانی و محمدرضایی، ۱۳۸۷: ۱۲۵). خداوند نیز در این رابطه در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ»؛ «و دین چه کسی بهتر است از آن کس که خود را تسلیم خدا کرده و نیکوکار است.» (نساء، ۱۲۵)

در سال‌های اخیر، انگشت اتهام به سوی اسلام و اسلام‌گرایان بوده تا آنان را عاملان خشونت و مسببان تروریسم جهانی بنامند (عیسی‌زاده، ۱۳۹۴: ۹۲). برداشت سطحی بنیادگرایان از اسلام باعث شده که گروهی از اندیشمندان بر ناهمخوان بودن الهیات اسلام با زندگی امروزی، دانش‌های نو، تکنولوژی و دموکراسی انگشت بگذارند و اسلام را دینی با خشونت ذاتی، متعصب و مداوا ناپذیر وانمود کنند (مبینی کسه و آجیلی، ۱۳۹۳: ۱۲۱)؛ در حالی که روح اسلام با خشونت و تکفیر مخالف است (عیسی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۰۶).

امروزه با آغاز هزاره سوم، هویت بنیادگرایی مانند داعش به گونه‌ای اعجاب‌انگیز، نیرومند و اثرگذار شده و خود را به مثابه یکی از مهم‌ترین منابع هویت‌ساز جلوه‌گر می‌کند (خلیلی و شفیعی سیف‌آبادی، ۱۳۹۴: ۶۳). داعش از لحاظ فکری، در چارچوب مبانی فکری جریان سلفی در دوران معاصر تعریف می‌شود. اصطلاح سلفی در دوران معاصر به معنای قرائتی ویژه از اسلام است که ضمن نقد نحله‌های گوناگون فلسفی، کلامی و فقهی اسلامی و تأکید بر وجود انحراف‌ها و بدعت‌ها در نگرش‌های سنتی به اسلام، خواستار بازگشت به سیره سلف به عنوان اسلام ناب است و خود را پیش‌روی بازگشت به شیوه سلف می‌داند. بدین‌سان گروه داعش، در چارچوب گروه‌های نوسلفی تکفیری جای می‌گیرد (عباس‌زاده فتح‌آبادی و سبزی، ۱۳۹۴: ۶۲-۶۳). تأکید بر احیای خلافت و استقرار آن در جهان اسلام، استفاده از تکفیر در حد گسترده و اعلام جهاد علیه سایر مسلمانان، ویژگی بارز ایدئولوژی این گروه می‌باشد (بخشی شیخ احمد و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۳۳). در ادامه هر یک از این ویژگی‌ها به صورت مجزا بررسی خواهد شد.

۱،۲. خلافت

خلافت، نمونه آرمانی دولت اسلامی از دیدگاه اهل سنت است (فیرحی، ۱۳۸۸: ۳۲). خلافت، عنوان ویژه‌ای برای نظام سیاسی مسلمانان بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) است که در تاریخ اسلام مسیری پر فراز و نشیب داشته است. آخرین حکومتی که از این عنوان برای خود استفاده کرد، حکومت ترکان عثمانی بود (غلام‌زاده، ۱۳۹۴: ۲۴).

داعش که در تاریخ ۸ آوریل ۲۰۱۳ میلادی، نام دولت اسلامی عراق و شام را بر خود نهاده بود، پس از گسترش قلمرو اشغال شده خود در ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴ اعلام کرد که از این پس، نام آن دولت اسلامی است و یک خلافت جهانی را تشکیل داده است (لسانی و یدائی‌امتاب، ۱۳۹۴: ۵۳). در نتیجه، هدف اصلی، فوری و بلافصل داعش ادعای تأسیس خلافت خودخوانده اسلامی است. هدف اعلام شده داعش، بازسازی این خلافت با خلیفه‌ای است که عموماً باید جانشین حضرت محمد(ص) باشد. اما منظور داعش از خلافت بسیار متفاوت‌تر از آن چیزی است که تاریخ در مورد قوانین اسلامی در سده‌های گذشته به ما گفته است. داعش در ماه ژوئن سال ۲۰۱۴ بیانیه‌ای منتشر کرد که طی آن مدعی بود اصل و نسب رهبرش، ابوبکر البغدادی مستقیم به پیامبر اسلام(ص) برمی‌گردد و از این طریق قصد داشت حقانیت خود را برای برپایی این خلافت ثابت کند (بخشی شیخ احمد و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۴۳).

بر اساس نظام سیاسی خلافت، معمولاً سه شیوه استقرار حاکم و انعقاد خلافت پذیرفته شده است:

۱. انتخاب اهل حل و عقد

۲. عهد و نصب از جانب خلیفه پیشین (استخلاف)

۳. زور و غلبه (فیرحی، ۱۳۸۸: ۳۶).

با توجه به این‌که قریب یک قرن از الغای خلافت عثمانی می‌گذرد و خلیفه سابق هم وجود ندارد تا برای خود جانشینی منصوب کند، به طور طبیعی استخلاف در دوران حاضر منتفی است و گروه داعش برای مشروع جلوه دادن خلافت خود باید از یکی از دو روش دیگر استفاده کند (غلامزاده، ۱۳۹۴: ۲۷). در میان آثار منتشر شده داعش، استدلال از طریق نظر اهل حل و عقد نسبت به ادله دیگر فراوانی بیشتری دارد. این گروه، شورای مجاهدین یا هیأت شرعی آن را، مصداق اهل حل و عقدی می‌دانند که نظرشان، مرجع اصلی در مسأله انتخاب خلیفه به حساب می‌آید. برخی از صاحب‌نظران داعش نیز در آثار خود به تلویح یا تصریح، مشروعیت خلافت داعش را از طریق غلبه و سلطه این گروه بر اراضی شام و عراق می‌دانند (همان، ۳۴).

مطابق مذهب سنی، صحابه در کنار اجماع بر ضرورت خلافت و وجوب تعیین خلیفه و همچنین بر لزوم استقرار خلافت از طریق بیعت نیز اجماع کرده‌اند. نویسندگان سنی عقیده دارند که به رغم اختلاف صحابه و تابعین درباره شرایط و خصوصیات شخص خلیفه، همواره در ضرورت بیعت اتفاق نظر داشته‌اند. قطع نظر از اختلاف در این نکته اساسی که آیا بیعت منشأ مشروعیت خلیفه است یا جنبه اعلامی و ابلاغی دارد، اندیشمندان سنی پس از تأکید بر لزوم بیعت، نوعاً از دو گونه بیعت سخن گفته‌اند: بیعت عامه و بیعت خاصه. اهل سنت این دو بیعت را در طول هم می‌دیدند؛

منظور از بیعت خاصه، بیعت بزرگان صحابه یا اهل حل و عقد در اندیشه سنی است و بیعت عامه در اصطلاح اهل سنت، بیعت عمومی مسلمانان است (فیرحی، ۱۳۸۸: ۸۹-۹۰).

از آنجا که داعشی‌ها، دموکراسی را کفر می‌دانند؛ از این رو، خلافت خودخوانده را نه برای کشوری خاص، بلکه برای تمام مسلمانان جهان اعلام می‌کنند (بخشی شیخ احمد و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۴۴). اما حتی اگر خلیفه‌ی داعش برای حامیان آن پذیرفته باشد و حامیان داعش، مشروعیت اهل حل و عقد را پذیرفته و با خلیفه بیعت نموده باشند، سؤال این جاست که آیا این بیعت و پذیرش شامل همه مسلمین جهان می‌شود و خلیفه داعش می‌تواند طبق ادعای خود خلافت را برای همه مسلمین جهان اعلام نماید؟

احمد الریسونی، نایب رئیس اتحادیه جهانی علمای مسلمان، ویژگی‌هایی را برای خلافت مورد نظر گروه تکفیری- وهابی داعش ذکر می‌کند. از نظر وی، داعش می‌خواهد خلافتش را از راه فتنه و جنگ در فضایی آکنده از ترس و ارباب و از راه غلبه و اجبار بر دیگران تحمیل کند. خلافتی که این گروه ادعای ایجاد آن را دارد، حتی یک هزارم مسلمانان و کشورهای اسلامی را هم زیر سلطه‌ی خود ندارد. علاوه بر این، از کجا معلوم می‌شود کسانی هم که زیر سلطه این تنظیم هستند، آنان را قبول دارند و از حکومت این گروه خوشنودند؟ با توجه به ضرورت بیعت با خلیفه معلوم نیست چه کسی با این خلیفه مورد ادعا بیعت و چه کسی وی را انتخاب کرده است و داعش، در میان امت اسلامی چه جایگاهی دارد؟ البته آن‌چه معلوم است تعدادی از یاران و حامیان این شخص با وی بیعت کرده‌اند و این شخص تنها می‌تواند در مسائل خاص، امیر آنان باشد (بخشی شیخ احمد و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۴۴).

۲،۲. تکفیر

تکفیر به معنای بر حق دانستن خود و تعریف مشخصه‌های تحریفی و شیطانی برای دیگری است. مذاهب و هویت‌های متفاوت، «دیگری» تعریف می‌شوند؛ چرا که به لحاظ هویتی کاملاً با ارزش‌های هویتی خودی متفاوت هستند. اما میزان و درجه‌بندی این تفاوت از کاملاً متفاوت تا تفاوت‌های پذیرفته شده و قابل قبول و اندکی تفاوت، به نوبه خود طیف وسیعی از کنش‌های مختلف را در افراد پدید می‌آورد (حیدری، ۱۳۹۳: ۱۰۴).

داعش از همان آغاز با طرح مبحث «دشمن دور و دشمن نزدیک»، اولویت را به مبارزه با اندیشه‌های درون‌دینی متعارض با اندیشه نوسلفی داده و از این رو، فقه‌التکفیر در این گروه پررنگ‌تر از دیگر بنیادگرایان و سلفیون مطرح شده و بروز یافته است (عباس‌زاده فتح‌آبادی و سبزی، ۱۳۹۴: ۶۶). آنان بین تکفیر عام و تکفیر معین در فقه اسلامی خلط کرده‌اند؛ به این معنا که تکفیر با شکل معین و در موارد خاص را قاعده‌ای عمومی در نظر گرفته‌اند که حتی شامل اختلافات مذاهب (قناعات) نیز می‌شود (اشرف نظری و السمیری، ۱۳۹۳: ۸۹).

در نظر داعش، اسلام و سلف آن‌ها کسانی‌اند که مثل آن‌ها فکر می‌کنند و «دیگری» تمام کسانی‌اند که بر خلاف آن‌ها می‌اندیشند، هر چند به ظاهر مسلمان باشند. یکی از شعارهای آن‌ها این است: «مَنْ لَمْ يَكْفُرْ الْكَافِرَ فَهُوَ الْكَافِرُ»: «هر کس کافر را کافر نداند، خود کافر است.» آن‌ها خطر مسلمانان غیر از خود و در رأس آن‌ها حکومت‌های کشورهای اسلامی را فوری‌تر می‌دانند. در نتیجه، در نظر آن‌ها سرنگونی این حکومت‌ها مقدم بر مبارزه و جنگ با غرب و آمریکاست (توکلی، ۱۳۹۳: ۱۶۳). داعش معتقد است چون اهل سنت پیرو مکاتب اربعه، جهاد را تعطیل کردند، پس کافر شدند و انکار حکم‌الله، کفر محسوب می‌شود و تعطیلی عملی حکم خداوند، به معنای انکار آن‌هاست (عباسی، ۱۳۹۳: ۱۰۶). بدین‌سان تکفیر بسیاری از مسلمانان مهم‌ترین بخش اعتقادی داعش است و از همین‌رو می‌کوشد حکومتی اسلامی مطابق معیارهای مورد نظر خود بر پا کند (عباس‌زاده فتح‌آبادی و سبزی، ۱۳۹۴: ۶۵). داعش در عراق، تمام گروه‌های فعال در عرصه میدانی عراق را از ارتش اسلامی عراق و جماعت انصارالسنه هیأت شرعی گرفته تا جبهه اسلامی مقاومت عراق (جامع) و جنبش مقاومت اسلامی (حماس) تکفیر و آن‌ها را مزدور و مرتد می‌داند؛ در سوریه نیز برخی از گروه‌های هم‌کیش خود مانند جبهه اسلامی را مرتد می‌داند (بخشی شیخ احمد و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۴۵).

با وجود این‌که داعش بسیاری از مسلمانان را که با ایشان هم عقیده نیستند، تکفیر می‌کند، اما به باور بیشتر مسلمانان، کفر زمانی ثابت می‌شود که انسان با زبان از دین بی‌زاری بگوید، یا آگاهانه احکام دین را انکار کند و کفر را بر ایمان برتری دهد (عباس‌زاده فتح‌آبادی و سبزی، ۱۳۹۴: ۶۳). همان‌طور که طبق آیه ۹۴ سوره نساء «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا»: «به کسی که اظهار صلح و اسلام می‌کند، نگویند مسلمان نیستی» خداوند متعال برای متمایز ساختن کافر از مسلمان، نشانه‌ای ظاهری که همان گفتن شهادتین است، در نظر گرفته تا هر کسی که به آن‌ها اقرار کند مسلمان و هر کس که منکر آن‌ها شود، کافر شود (عیسی‌زاده، ۱۳۹۴: ۹۱). اما این گروه با تفسیر ظاهرگرایانه از برخی آیات قرآن مجید، دیدگاهی ویژه درباره توحید دارند و بسیاری از رفتارهای مسلمانان همچون زیارت قبور، توسل به اولیاء و پیامبران، شفاعت و گنبدسازی را مغایر توحید می‌دانند و اقدام‌کننده به این کارها را کافر یا مشرک می‌شمارند. در حالی که به گفته بسیاری از فقهای سنی، آنان برداشت نابجا و غیرواقعی از آیات دارند و پاره‌ای از احکام درباره بت‌ها و کافران را به موارد دیگر گسترش داده‌اند؛ در حالی که این قیاس‌ها به چند دلیل باطل است:

الف: در این قیاس‌ها، پیامبر(ص) یا اولیای خدا، به جای بت‌ها گذاشته شده‌اند.

ب: مؤمنان و متوسلان به پیامبر اسلام(ص) همانند بت‌پرستان و ناباوران به خدا فرض شده‌اند.

ج: توسل، استغاثه و شفاعت با واژه عبادت هم معنا گرفته شده است، در حالی که هر یک معنای خاص خود را دارد

(عباس‌زاده فتح‌آبادی و سبزی، ۱۳۹۴: ۶۳).

داعشی‌ها، نگرش‌ها و اعتقادات سایر مذاهب اسلامی را قبول ندارند و به شدت بر برداشت خود از اسلام تعصب دارند و آن را حق مطلق می‌دانند (توکلی، ۱۳۹۳: ۱۵۸). به گونه‌ای که هر چیزی خارج از اعتقادات سلفی را کفر برشمارده و با آن به مبارزه و نابودی برمی‌خیزند (حاتمی، ۱۳۹۴: ۸۱). اما به گفته مخالفان، هر گاه دلیلی مبنی بر حرمت، وجوب، کراهت یا استحباب عملی از سوی شارع وارد نشده باشد، طبق قاعده «اصاله الاباحه» اصل بر مباح بودن آن است (عباس‌زاده فتح‌آبادی و سبزی، ۱۳۹۴: ۶۳).

۳،۲. جهاد

داعش، جهاد را از مهم‌ترین ارکان دین و مسلمان بودن برمی‌شمارد (زارعی، ۱۳۹۴: ۱۴۱) و معتقد است که هویت مبتنی بر شریعت جهادگرا باید به عنوان ارزشی هنجاری به رسمیت شناخته شود و نظم و ساختار قدرت جامعه نیز صرفاً مبتنی بر آن شکل گیرد (یزدانی و نژادزنده، ۱۳۹۳: ۱۶۶). بنابراین بر طبق ایدئولوژی داعش، جهاد در راه خدا با «دعوت» تمام مسلمانان جهان آغاز می‌شود. مرحله بعدی آن «بیعت» با خلیفه مسلمین برای تشکیل حکومت اسلامی است که برای بیعت با خلیفه باید به نزدیک‌ترین مکانی که او آن‌جا حضور دارد، «هجرت» کرد. آن‌ها هجرت را امری اجباری و وظیفه اصلی هر مسلمانی اعم از زن و مرد دانسته و تنها افراد ناتوان را از این قاعده مستثنی می‌کنند. بنابراین آن‌ها هجرت را اولین گام برای شروع جهاد مسلمانان می‌دانند (نوربخش و مهدی‌زاده، ۱۳۹۴: ۲۵۹). در ایدئولوژی داعش، «جهاد» خشونت‌آمیز تنها نماد ایمان واقعی تلقین می‌شود (توکلی، ۱۳۹۳: ۱۶۲). داعشی‌ها علاوه بر پذیرش شعار عمومی همه سلفی‌ها - «الاسلام هو الحل»: «تنها راه حل اسلام و اجرای شریعت است» - به این نتیجه رسیدند که باید جهان سراسر کفر و ضلالت و جامعه جاهلی را با جهاد و به روش قهرآمیز نجات دهند. بنابراین جهاد از نظر آن‌ها واجب عینی است (بخشی شیخ احمد و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۴۵). آن‌ها غایت جهاد را پیروزی همه مسلمانان می‌دانند، حتی اگر منجر به شهادت آن‌ها شود (نوربخش و مهدی‌زاده، ۱۳۹۴: ۲۵۹).

داعش با این باورها، حمله به مناطق گوناگون عراق و بیرون از آن را به بهانه مبارزه با شرک و کفر آغاز کرد. تهاجم این گروه با ادعای پاک‌سازی این مناطق از بت‌ها، تمثیل‌ها و تصاویر تا آن‌جا کشیده شد که داعشی‌ها مکان‌های مذهبی و عبادی بخشی از اهل سنت، صوفیان و شیعیان از جمله مساجد و حسینیه‌ها همچنین آرامگاه‌های گنبددار (حرم‌ها) و دیگر نمادهای شیعیان را نابود کردند (عباس‌زاده فتح‌آبادی و سبزی، ۱۳۹۴: ۶۳). این در صورتی است که بین مذاهب و جریان‌های اسلامی در مشخص کردن حدود و موارد و اطلاق کلمه جهاد اختلاف نظر جدی وجود دارد (اشرف نظری و السمیری، ۱۳۹۳: ۸۹). با وجود این، وجه وجوب جهاد این است که جهاد اسلامی موجب می‌شود مستضعفان از دست نظام‌های طاغوتی و کفر نجات یابند (یزدانی و ایزدی، ۱۳۸۶: ۸۰). در گذشته، سلفی‌ها و در کل فقه سنی و شیعه

جهاد را یک واجب کفایی می‌دانستند (بخشی شیخ احمد و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۴۵). همه فقهای شیعه و تقریباً بیشتر فقهای اهل تسنن، به ویژه در عصر حاضر، جهاد را تنها زمانی مشروع دانسته‌اند که نه تهاجمی بلکه دفاعی بوده باشد. در اهل تسنن به ویژه از دهه ۱۹۵۰ و فتوای محمود شلتوت، اکثر علمای سرشناس عالم تسنن متفق‌القول هستند که تنها جهاد جایز، جهاد دفاعی است (یزدانی و ایزدی، ۱۳۸۶: ۸۲). تشیع نیز جهاد ابتدایی در عصر غیبت امام را حرام می‌داند. به عبارت دیگر، در فقه شیعه حمله به کشورهای دیگر به قصد کشورگشایی و جهاد، بیشتر جنبه دفاع از دارالاسلام و سرزمین‌های اسلامی را دارد، اما در میان نوسلفی‌ها جهاد به ابتدایی و تهاجمی تغییر می‌کند و به واجب عینی تبدیل می‌شود (بخشی شیخ احمد و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۴۵).

داعش تلاش دارد با منتسب کردن اقدامات خود به سنت جهاد در اسلام به جنگ و قتل و خونریزی‌های خود مشروعیت بخشد و این موضوع یکی از موارد تعارض داعش با اسلام است. اما آیات زیادی در قرآن وجود دارد که در باب دفاعی بودن جهاد و انکار قتل و خونریزی و ترور نازل شده است از جمله:

«أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» «به کسانی که جنگ به آن‌ها تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند.» (حج، ۳۹).

«وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» «و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید که خدا تعدی کنندگان را دوست نمی‌دارد.» (بقره، ۱۹۰)

«مِنْ أَجْلِ ذَٰلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَٰلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ» «به همین جهت بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است و رسولان ما دلایل روشن برای بنی اسرائیل آورده‌اند؛ اما بسیاری از آن‌ها پس از آن در روی زمین تعدی و اسراف کردند.» (مائده، ۳۲)

نتیجه این‌که در اسلام اصل تعدیل، حاکم بوده و افراط و تفریط مردود است و اگر خشونت در جهان اسلام وجود دارد، منتسب به هیچ یک از مذاهب نیست (عیسی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۰۷) و بر همین اساس، اقدامات خشونت‌بار داعش تحت عنوان جهاد در اسلام نیز مردود است.

۳. رابطه داعش با تروریسم

تروریسم از واژه لاتین Terror به معنای ترس و وحشت گرفته شده است (یزدانی و ایزدی، ۱۳۸۶: ۷۸) و به معنای ایجاد رعب و وحشت در میان شهروندان غیرنظامی و همچنین کشتار آنها برای مقاصد سیاسی است (امیدی، ۱۳۸۸: ۲۷۱). عناصر خشونت‌باری و ارباب‌آور بودن اقدامات داعش علیه مردم غیر نظامی و هدف قرار دادن افراد بی‌گناه برای رسیدن به مقاصد سیاسی این گروه، داعیه‌ای بر شناسایی این تأسیس به عنوان گروهی تروریستی است (زمانی، ۱۳۹۴: ۱۲۹). دولت اسلامی عراق و شام اعمال تروریستی فراوانی را در سوریه و عراق مرتکب شده که این اعمال تروریستی می‌تواند تحت عناوین جنایت‌های جنگی، جنایت علیه بشریت و جنایت نسل‌زدایی مورد بررسی قرار گیرد (لسانی و یدائی امناب، ۱۳۹۴: ۷۳).

۱،۳. جنایت جنگی

ماده ۲ اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق اعمالی همچون قتل عمدی، شکنجه یا رفتار غیرانسانی، ایجاد رنج یا صدمه جسمی وخیم، قتل عام، مجبور کردن اسرای جنگی به شرکت در جنگ و محروم کردن آنان از حقوق مربوطه و گروگان‌گیری افراد غیرنظامی را از جمله نقض‌های فاحش و آشکار در حین مخاصمات مسلحانه به عنوان جنایت جنگی دانسته است. ماده ۴ اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری رواندا نیز فهرستی از این نقض‌ها را برشمرده که عبارت‌اند از: تجاوز به حیات انسان‌ها، ایراد صدمه به سلامت جسمی و ذهنی افراد خصوصاً از طریق شکنجه، قطع عضو، مجازات دسته جمعی، گروگان‌گیری و... (امیدی، ۱۳۸۸: ۲۷۲-۲۷۱).

قتل و کشتار اقلیت‌های دینی مانند کردها، شیعیان و ایزدی‌ها تنها به دلیل اختلافات دینی و مذهبی، کشتار کودکان از جمله قتل عام ۲۰۰ کودک در مناطق تحت تصرف داعش به دلیل عدم پذیرش خواسته رهبران داعش برای پیوستن به آنها، کشتار ۱۷۰۰ دانشجوی شیعی در پایگاه اسپایکر صلاح‌الدین به جرم شیعی بودن، سر بریدن کودکان و زنان در مناطق مختلف سوریه و عراق، ابداع شیوه‌های جدید و وحشتناک قتل و کشتار، قتل عام ۷۰۰ نفر از اعضای یکی از قبایل شمال سوریه، زنده به گور کردن بیش از ۵۰۰ اسیر ایزدی، در حالی که دست‌کم ۴۰ کودک میان آنها مشاهده می‌شد، کشتار و قتل عام صدها نفر از اعضای قبیله آل بوغر در سوریه و عراق، زنده سوزاندن اسراء، ذبح، مثله کردن، جدا کردن سر قربانیان از پیکر آنها (تبیان، ۱۳۹۴) نمونه‌هایی از جنایات جنگی داعش است.

همچنین بر طبق ماده ۳ اساس‌نامه دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق، عاملان به اعمال خاصی می‌بایست تحت مجازات قرار گیرند؛ این اعمال که به عنوان اعمال ناقض قوانین و عرف‌های جنگی قلمداد می‌گردند، عبارت‌اند از: آزار و اذیت، ویران کردن و بمباران غیر ضروری شهرها و روستاها، اماکن مذهبی و خیریه‌ها و آثار باستانی (امیدی، ۱۳۸۸: ۲۷۱-۲۷۲).

داعش پس از اشغال شهر تاریخی موصل در شمال عراق، اماکن مقدس به ویژه مسجدها و آرامگاه‌های مقدس شیعیان را تخریب کرد. دست‌کم چهار آرامگاه مقدس اعراب سنی و صوفی نیز توسط بولدوزر خراب شدند، همچنین شش مسجد شیعی از طریق انفجار تخریب شد. نیروهای داعش در اوایل سال ۲۰۱۵ حدود دو هزار کتاب را از کتابخانه مرکزی موصل خارج کرده و چند روز پس از آن، کتاب‌های کتابخانه دانشگاه این شهر سوزانده شدند. در سال ۲۰۱۵ داعش شهر باستانی پالمیرا (تدمر) سوریه را تصرف کرد و از زمانی که این شهر به دست این گروه تروریستی افتاد، تخریب بناهای تاریخی و آثار هنری آغاز شد که از جمله می‌توان به تخریب معبد تاریخی «بعل شمین» در این شهر اشاره کرد (لسانی و یدائی امناب، ۱۳۹۴: ۵۹-۶۰).

۲,۳: جنایت علیه بشریت

در خصوص جنایت علیه بشریت نیز اساسنامه مذکور هر عمل غیرانسانی علیه ملت‌ها مانند قتل، نابودی، اخراج، شکنجه، تجاوز و مجازات به دلایل سیاسی، نژادی، مذهبی و اجبار به بردگی و غیره را از مصادیق این جنایات دانسته است (امیدی، ۱۳۸۸: ۲۷۲).

داعش به طور رسمی از برده‌داری دفاع می‌کند (لسانی و یدائی امناب، ۱۳۹۴: ۵۸). این گروه در موارد متعدد، زنان و کودکان اقلیت‌های ایزدی، مسیحی و ترکمن را در عراق و سوریه ربوده و آن‌ها را به عنوان برده و کنیز فروخته است؛ از جمله در منطقه القدس موصل، بازاری برای فروش زنان و دختران توسط داعش ایجاد شده است که در این بازار، روی زنان و دختران اسیر برچسب قیمت زده شده و خریداران اقدام به چانه‌زدن درباره قیمت‌ها و خرید آن‌ها می‌کنند. به گزارش سازمان ملل، داعش با حمله به یک روستای ایزدی‌نشین در منطقه سنجار و ربودن زنان و دختران این روستا و انتقال آن‌ها به زندان بادوش موصل به برده‌داری پرداخته است و همچنین گروهی متشکل از ۱۵۰ زن و دختر که بیشترشان ایزدی یا مسیحی بودند را به سوریه فرستاد تا به عنوان هدیه در اختیار تروریست‌ها قرار گرفته یا به عنوان برده جنسی فروخته شوند (خبر آنلاین، ۱۳۹۴).

به طور کلی از مهم‌ترین مصادیق جنایت علیه بشریت می‌توان به نسل‌کشی (ژنوسید) و شکنجه اشاره نماییم (امیدی، ۱۳۸۹: ۲۷۲). ماده ۲ کنوانسیون جلوگیری و مجازات نسل‌کشی، این جنایت را که با هدف نابودی و وارد آوردن ضربه جسمانی یا روحی به اعضای یک گروه به منظور جلوگیری از توالد عمدی آن گروه صورت می‌گیرد را قابل مجازات توسط دادگاه ذی صلاح محل ارتکاب یا توسط یک دیوان بین‌المللی دانسته است (امیدی، ۱۳۸۹: ۲۷۲).

وقوع جنایت نسل‌زدایی توسط داعش مسلم است. در این زمینه کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز در گزارشی اعلام کرده که داعش در مظان اتهام ارتکاب نسل‌زدایی در مورد ایزدی‌ها قرار دارد و این امر توسط

دادستان آرژانتینی سابق دیوان، لوئیس اوکامپو نیز مورد تأیید قرار گرفته است. دو گروه ایزدی در جلسه‌ای با حضور فاتو بن سودا، دادستان فعلی دیوان کیفری بین‌المللی، گزارشی از فجایعی که تروریست‌های داعش در شمال عراق مرتکب شده‌اند را ارائه کردند. شکایت آن‌ها شامل اعدام بیش از ۷۰۰ مرد ایزدی، قتل افراد سالخورده و بیمار، تجاوز و به بردگی گرفتن هزاران زن و دزدیدن کودکان که مجبور بودند پس از گرویدن به اسلام داعشی برای این گروه بجنگند می‌شود. داعش به صراحت اعلام کرده که قصد دارد دین ایزدی که آن را کفر می‌خواند را از بین ببرد (لسانی و یدائی امناب، ۱۳۹۴: ۵۷).

موارد بیان شده تنها بخشی از جنایات تروریستی داعش است که به عنوان مثال ذکر گردید، در نتیجه جای هیچ شبهه‌ای در تروریستی بودن اعمال داعش و لزوم اقدامات بین‌المللی برای مقابله با آن باقی نمی‌ماند. بنابراین شورای امنیت سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه‌های مختلف ۲۱۶۱-۲۰۱۴، ۲۱۷۰-۲۰۱۴، ۲۱۷۸-۲۰۱۴ و به ویژه قطعنامه ۲۱۹۹ مورخ ۱۵ فوریه ۲۰۱۵ اقدامات تروریستی و غیرانسانی داعش و جبهه النصره را به شدت محکوم کرده و جامعه جهانی را به مقابله با این گروه‌ها فراخوانده است. در این قطعنامه‌ها، شورای امنیت بر استقلال، حاکمیت، وحدت و یکپارچگی ارضی کشورهای عراق و سوریه تأکید نهاده و با محکوم کردن اقدامات تروریستی، آدم‌ربایی توأم با اخاذی و گروگان‌گیری این گروه‌ها، هر گونه تجارت مستقیم یا غیرمستقیم با آن‌ها را ممنوع ساخته است. بدیهی است که همراهی سایر نهادهای بین‌المللی با شورای امنیت در این زمینه، داعش را موجودیتی خلاف حقوق بین‌الملل و فاقد هرگونه مشروعیتی بین‌المللی جلوه می‌دهد (زمانی، ۱۳۹۴: ۱۲۹).

نتیجه‌گیری

همان‌طور که گفتیم داعش یک گروه نوسلفی - تکفیری الهام گرفته از جریان القاعده است که تأسیس آن به دوران فروپاشی حکومت صدام در عراق در سال ۲۰۰۳ می‌رسد. گروهی تروریستی که تحت عناوین مختلف تا آوریل ۲۰۱۳ در صدد کسب هویت می‌کوشید، در نهایت نام دولت اسلامی عراق و شام را بر خود نهاد و پس از گسترش قلمرو خود در خاک سوریه و عراق در ژوئن ۲۰۱۴ میلادی با نامیدن خود به اسم خلافت اسلامی، داعیه تشکیل حکومتی جهانی را در سر می‌پروراند. موضوع این مقاله، حول محور بنیان‌های هویتی و ایدئولوژیکی داعش بود. از آن‌جا که این گروه ابتدا نام دولت اسلامی عراق و شام و سپس خلافت اسلامی را بر خود نهاد، کوشیدیم اثبات نماییم که دولت اسلامی عراق و شام نه هویت دولتی دارد و نه هویتی اسلامی.

بر طبق حقوق و قوانین موجود، دولت بودن نیازمند وجود پیش‌شرط‌ها و عناصری است که داعش از وجود آن محروم است. عناصری چون سرزمین، جمعیت، حکومت و حاکمیت از جمله عناصر شکل‌گیری دولت است که پس از

مطالعه و بررسی موردی هر یک به این نتیجه رسیدیم که اگر بتوانیم با اغماض جمعیت‌هایی که به ناچار در سرزمین‌های اشغالی تحت سیطره داعش قرار گرفته‌اند را به همراه مبارزین و جنگجویان این گروه که از کشورهای مختلف آسیایی، اروپایی، آفریقایی و آمریکایی به داعش پیوسته‌اند، جدای از کیفیت آنها، جزء مردم دولت اسلامی بنامیم و اگر سرزمین‌های تصرف شده عراق و سوریه را هر چند به صورت غیرقانونی و موقت (چرا که توانایی حفظ آن دشوار است) جزء خاک دولت اسلامی به حساب بیاوریم و همچنین شوراها را به عنوان ارکان حکومت و قوانین مبتنی بر شریعت ادعایی داعش را حداقل برای پیروانش به عنوان قواعد معین طرز عمل حکومت داعش به حساب آوریم، همچنان داعش از عنصر محوری تشکیل دولت که همانا حاکمیت می‌باشد، فارغ است؛ چرا که یک کشور یا دولت برای حاکمیت نیازمند دو مؤلفه استقلال و شناسایی بین‌المللی است. داعش تاکنون از سوی هیچ کشوری به عنوان دولت شناسایی نگردیده و از طرفی فاقد مؤلفه استقلال نیز می‌باشد؛ چرا که حکومت‌های عراق و سوریه به سبب تصرف غیرقانونی بخشی از خاکشان توسط داعش در حال مبارزه با این گروه برای بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی می‌باشند. بنابراین داعش از حاکمیت برونی و استقلال واقعی و قانونی برخوردار نمی‌باشد و در نتیجه از عنصر کلیدی تشکیل دولت در عصر حاضر بی‌بهره است، در حالی که برای تشکیل دولت وجود هر چهار عنصر ضروری می‌نماید.

از طرف دیگر، هر چند داعش تلاش دارد با تحریف اسلام و احکام اسلامی هویتی دینی و اسلامی برای خود متصور شود، اما این گروه نه تنها هیچ سنخیتی با اسلام ندارد؛ بلکه با هیچ دین توحیدی و مرام بشری نیز تناسب ندارد. داعش تلاش دارد با منتسب کردن اقدامات خود به احکامی چون جهاد و تکفیر بر جنایات خود سرپوش بگذارد. در حالی که بر اساس آموزه‌های قرآن و گواهی علمای شیعه و سنی، اقدامات این گروه محکوم است؛ چرا که از نظر همه علمای شیعه و قریب به اتفاق علمای سنی، جهاد جایز در عصر حاضر جهاد دفاعی است و اصولاً وجه وجوب جهاد برای دفاع از مظلوم در برابر ظالم است. در مورد حکم تکفیر طبق آیات قرآن و عقاید شیعه و سنی، اعلام زبانی اسلام و مسلمان بودن یا همان گفتن شهادتین برای جدا کردن کافر از مسلمان مکفی است؛ در حالی که داعش با هر چه تنگ‌تر کردن دایره اسلام و مسلمانی به همه مذاهب شیعه و سنی تحت عنوان تکفیر و جهاد تاخته است. در مورد خلافت نیز که هدف فوری و بلافصل داعش محسوب می‌گردد، خلافت ادعایی داعش با خلافت مدنظر تسنن بسیار متفاوت است و ابوبکر البغدادی نمی‌تواند صرفاً با ادعای کذابی جانشینی پیامبر(ص) خود را خلیفه مسلمین بنامد؛ چرا که برای این امر نیازمند بیعت مردم است. بنابراین البغدادی شاید صرفاً بتواند تنها بیعت و تبعیت جمعیت تحت سلطه و گوش به فرمان خود را به دست آورد.

در نتیجه، داعش از لحاظ ماهوی نه دولت است و نه اسلامی؛ بلکه با توجه به جرایم و جنایات ارتكایی در خاک سوریه و عراق از جمله قتل، غارت، تجاوز، مثله کردن، زنده سوزاندن، تخریب بناهای تاریخی و مذهبی، شکنجه و به بردگی گرفتن افراد که همه نمونه‌هایی از جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی هستند، هیچ تردیدی در تروریستی بودن ماهیت این گروه وجود ندارد. بنابراین از آنجا که شورای امنیت سازمان ملل با صدور قطعنامه‌های مختلف، مهر تأییدی بر تروریستی بودن این گروه زده است، مبارزه و مقابله با داعش اقدامات بیشتر و جدی‌تری را هم از جانب سازمان‌های بین‌المللی و هم از جانب کشورهای اقصی نقاط جهان می‌طلبد.

منابع:

منابع فارسی:

۱. قرآن کریم

۲. ابوالحمد، عبدالحمید، (۱۳۸۴)، بنیادهای علم سیاست، چاپ دهم، تهران: توس.

۳. اشرف نظری، علی و السمیری، عبدالعظیم، (۱۳۹۳)، بازخوانی هویت دولت اسلامی در عراق و شام (داعش): فهم زمینه‌های فکری و سیاسی - اجتماعی، فصلنامه علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره شصت و هشتم.

۴. امیدی، علی، (۱۳۸۸)، حقوق بین الملل از نظریه تا عمل، تهران: بنیاد حقوقی میزان.

۵. بخشی شیخ احمد، مهدی و بهاری، بهنام و وهاب‌پور، پیمان، (۱۳۹۲)، بررسی ایدئولوژی گروه تکفیری - وهابی دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، فصلنامه علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره شصت و چهارم.

۶. توکلی، سعید، (۱۳۹۳)، القاعده، داعش؛ افتراقات و تشابهات، فصلنامه آفاق امنیت، شماره ۲۳.

۷. حاتمی، محمدرضا، (۱۳۹۴)، شکل‌گیری داعش در کانون پویش جهانی شدن، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۳۰.

۸. حیدری، الهام، (۱۳۹۳)، کالبدشکافی جریان داعش: بررسی زمینه‌های ذهنی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، فصلنامه حبل‌المتین، سال سوم، شماره نهم.

۹. خلیلی، محمدجواد و شفیعی سیف‌آبادی، محسن، (۱۳۹۴)، جهانی‌شدن و ظهور هویت بنیادگرا در خاورمیانه، فصلنامه حبل‌المتین، سال چهارم، شماره دوازدهم.

۱۰. زارعی، محمد، (۱۳۹۴)، سیر تحول و تطور گروه‌های تکفیری؛ مطالعه موردی: داعش و القاعده، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال شانزدهم، شماره ۶۲.

۱۱. زمانی، قاسم، (۱۳۹۴)، ماهیت حقوقی داعش در حقوق بین‌الملل: دولت یا بازیگر غیردولتی، فصلنامه دولت - پژوهی، سال اول، شماره دوم.

۱۲. سبحانی، جعفر و محمدرضایی، محمد، (۱۳۸۷)، اندیشه اسلامی ۲، قم: دفتر نشر معارف.

۱۳. شعبانی، قاسم، (۱۳۸۸)، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، تهران: اطلاعات.

۱۴. طباطبایی لطفی، سیداحمد و شارق، زهرا سادات، (۱۳۹۵)، بررسی مشروعیت عملکرد ائتلاف ضد داعش (دولت

اسلامی عراق و شام) از منظر حقوق بین‌الملل در سوریه، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، شماره اول

۱۵. عالم، عبدالرحمن، (۱۳۸۹)، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.

۱۶. عباس‌زاده فتح‌آبادی، مهدی و سبزی، روح‌الله، (۱۳۹۴)، شیوه‌های هویت‌جویی القاعده و داعش، فصلنامه سیاسی - اقتصادی، شماره ۳۰۲.
۱۷. عباسی، محمود، (۱۳۹۳)، سنخ‌شناسی داعش، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال پانزدهم، شماره ۵۸.
۱۸. عیسی‌زاده، خالد، (۱۳۹۴)، نفی خشونت و تکفیر در اسلام، فصلنامه حبل‌المتین، سال چهارم، شماره دوازدهم.
۱۹. غلام‌زاده، سعید، (۱۳۹۴)، ادله داعش بر خلافت اسلامی و نقد آن از سوی سلفیان جهادی، فصلنامه سراج منیر، سال پنجم، شماره ۱۷.
۲۰. فیرحی، داود، (۱۳۸۸)، نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران: سمت.
۲۱. قاضی شریعت‌پناهی، سید ابوالفضل، (۱۳۸۷)، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۲۲. قوام، سیدعبدالعلی، (۱۳۸۸)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: سمت.
۲۳. قوام، سیدعبدالعلی، (۱۳۹۰)، روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها، تهران: سمت.
۲۴. لسانی، سیدحسام و یدائی امناب، محسن، (۱۳۹۴)، امکان رسیدگی به جنایات داعش در دیوان کیفری بین‌المللی از دیدگاه حقوق بین‌الملل، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و نهم، شماره چهارم.
۲۵. مبینی کشه، زهرا و آجیلی، هادی، (۱۳۹۳)، نقش داعش در شکل‌گیری معادلات جدید در خاورمیانه، فصلنامه حبل‌المتین، سال سوم، شماره نهم.
۲۶. نساج، حمید و نظری، مینا و پوررنجبر، مهدیه، (۱۳۹۴)، شناسایی و تأمین منابع مالی داعش، فصلنامه حبل‌المتین، سال چهارم، شماره یازدهم.
۲۷. نوربخش، یونس و مهدی‌زاده، منصوره، (۱۳۹۴)، ایدئولوژی جریان داعش و دلایل تاریخی - اجتماعی گرایش به آن، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی، شماره ۴۷.
۲۸. یزدانی، عنایت‌الله و ایزدی، هجرت، (۱۳۸۶)، تروریسم اسلامی: افسانه یا واقعیت، فصلنامه علوم سیاسی، شماره سی و نه و چهل.
۲۹. یزدانی، عنایت‌الله و نژاد زندیه، رویا، (۱۳۹۳)، نگاهی سازه‌نگارانه به ظهور پدیده تروریسم در منطقه خاورمیانه با تأکید بر پیدایش داعش در منطقه، فصلنامه حبل‌المتین، سال سوم، شماره نهم.
- وبسایت‌ها:
۳۰. تبیان، ۱۹ / ۹ / ۱۳۹۴، تعارضات اسلام با داعش کجاست؟

۳۱. خبر آنلاین، ۲۷ / ۱۰ / ۱۳۹۴، جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی گروه داعش در عراق و سوریه، کد مطلب:

۵۰۰۳۰۹

www.khabaronline.ir/detail/500309/world/middle-east